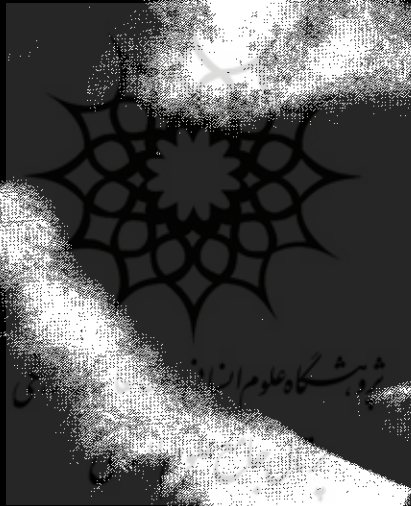


تربیت و ارزش

دکتر علی قالمی



شهرت گاه علوم از

دانسته‌اند از بها، قیمت، قدر، برانزیدگی، شایستگی، زیندگی، قابلیت، اعتبار یک سند و... (فرهنگ معین).

در زبان عربی نیز تقریباً همین مفاهیم مدنظر است. ارزش آن چیزی است که اگر در فردی باشد او را در خور حرمت و شایستگی می‌سازد. ارزش شامل صفاتی است که آدمی وجود آن‌ها را در عرصه اخلاقی، فکری و شغلی آرزومند است. ارزش، صفتی است گرانقدر و بهادار که آدمی را بزرگ می‌کند و انسان‌ها مایل به داشتن آن می‌باشند. ارزش‌گذاری در واقع عبارت از قیمت‌گذاری مادی یا معنوی روی شخص یا بر روی شیء است (برداشت از کتاب لغت روبرت).

هنگامی که سخن از عظمت شخص، کاربری یک شیء و ارجمندی یک پدیده به میان می‌آید، در واقع همان مفهوم ارزش با بیانی دیگر است و آن می‌تواند دارای بعدی کمی یا کیفی باشد. انسان ارزشمند وجودی برگزیده است و شیء ارزشمند شئی کمیاب و به دست آوردنش همراه با تحمل سختی‌هاست.

در نهایت می‌توان گفت که ارزش، یک فکر، یک ایده یا یک باور است که از قداست و حرمت برخوردار است. البته ارزش امری خاص برای انسان‌هاست و دارنده آن به علت عقل، آزادی، تعهد، مسئولیت و... آن را انتخاب کرده، به عنوان عامل حرکت مورد استفاده قرار می‌دهد.

نوع ارزش‌ها

ارزش‌ها به تناسب موضوع و محتوا ممکن است به صورت‌های زیر باشند:

- ارزش مشروط و مقید و آن ارزشی است

مقدمه:


فرهنگ هر جامعه منبعی است برای انگیزش‌ها، حرکت‌ها و نوع اتخاذ مواضع در برابر حوادث و جریانات. بسیاری از نوآوری‌ها، خلاقیت‌ها، الهامات درخشان و سازنده در یک جامعه از فرهنگ رشید و سازنده آن جامعه نشأت می‌گیرد.

اعمال اخلاق نیک و بد، حرمت‌گذاری‌ها یا بی‌حرمتی‌ها نسبت به عموم، تفسیر درست یا غلط از امری چون آزادی، عفت و پای‌بندی به مرزها یا عدم رعایت آن، به فرهنگ‌ها مربوط می‌شوند و به همین خاطر از منظر تربیت ضرورتی است برای بازان‌دیشی در فرهنگ و نقد و اصلاح آن، و آنگاه توسعه و تنفیذ آن در روان اعضای جامعه.

از میان عناصری که فرهنگ یک جامعه را تشکیل می‌دهند مسئله ارزش‌ها از جایگاه رفیعی برخوردار است. این دعوی بدان خاطر است که انسان‌ها موجوداتی انتخاب‌گرند و به دنبال آن نقطه و مسئله‌ای به پیش می‌روند که دارای ارزش و بهای بیش‌تر باشد. در خط‌کاری انبیای الهی عنایت به ارزش‌ها و تلاش در جهت محو ضدا ارزش‌ها را می‌بینیم. آنان سعی بر این داشتند که تفسیر نیکویی از ارزش‌ها داشته باشند و بدر آن را در درون انسان شکوفا سازند.

معنی و مفهوم ارزش

در مورد این که ارزش چیست، باید گفت ارزش چیزی است که از نظر فکری دارای بها و قیمت و در عین حال برخوردار از حرمت و قداست باشد. در زبان فارسی ارزش را عبارت



که برآورنده نیاز و حاجتی شخصی است. گاهی وجود یک قرص سردرد برای یک مبتلا، چوبی از کبریت برای روشن کردن یک اجاق، آن هم در بیابان، ارزشمند است.

- ارزش مطلق، آن ارزشی است که به قیدی مقید نگردد، مثل آزادی و شرف.

- ارزش دینی، آن ارزشی است که مذهب مورد اعتقاد ما بر آن صحنه گذارد مثل نماز، جهاد، و...

- و گاهی ارزش‌ها منطقه‌ای و ملی‌اند، مثلاً در جامعه‌ای ارزش به حساب می‌آیند و در جامعه دیگر حتی ممکن است ضد ارزش باشند، مثل ستر و پوشش، عفت و دوشیزگی دختران و... که البته دین و فرهنگ هم آن را تأیید کرده، رنگ می‌دهند.

فایده و اهمیت ارزش‌ها

- ارزش‌ها عامل حرکت آفرینی و ایجاد انگیزش در کار و تلاش آدمی‌اند.

- سبب پای بندی به خط و راه و شرایطی‌اند که از نظر یک فرهنگ، ارزش خوانده می‌شوند.
- عامل مرزداری در حیات، در گفتار، رفتار و کردار است.

- معیاری برای مقایسه‌ها و مرزبندی‌ها و در نتیجه شناخت پای بندی‌هاست.

- سببی برای جهت‌دهی به سوی مقصدی است که مکشبی مورد قبول آن را کمال می‌نامد.
- سبب داوری درباره یک فرد و قضاوت در مورد نوع باورها و اعتقادات و مقدسات اوست.
- و سرانجام ارزش‌ها اگر از سوی مذهب و

آئینی باشد برای خود فرد و نیز جامعه او خیرآفرین است، مایه عظمت جان آدمی و سبب دستیابی به ارج و قرب مورد نظر است.

- ارزش غیردینی آن چیزی است که مردم آن را برای خود ارزش دانسته‌اند، مثل ارزش طبقه‌ای، عنوانی، و ...

- ارزش ثابت ارزشی است که همه‌گاه در جامعه انسانی ارزش به حساب می‌آید و گذشت زمان در آن اثری نمی‌بخشد، مثل ارزش زهد، تقوا، انسانیت و...

ارزش متغیر آن ارزشی است که بر اساس شرایط زمان عوض می‌شود. مثل ارزش‌های دوران کودکی، نوجوانی، موفقیت در یک بازی و...

- ارزش‌ها گاهی جهانی‌اند و در همه جای جهان از آن‌ها به نیکی یاد می‌شود، مثل عدالت، آزادی، صداقت، صلح و...

شکست‌های مصیبت‌بار و حتی فروپاشی اخلاق و مدنیت ریشه در فروپاشی ارزش‌ها دارند و بسیاری از شکاف‌های فیما بین حتی در گروه خانواده و اجتماع و مذهب حاکی از همین امر است.

خطر بیش‌تر

خطر بیش‌تر سقوط ارزش‌ها ناشی از سقوط مذهب و ارزش‌های آن در دل عده‌ای معدود است که در جامعه وجود و حضور دارند و همانند میکرب و ویروسی در دیگران اثر گذارده، ضد ارزش‌ها را توسعه می‌دهند.

شاید برخی از آنان را قصد بدی در این تلاش و اقدام نباشد و مشکانشان عدم توان تفسیر و ارزیابی از ارزش‌ها و ضعف در انتخاب است. اگرچه سرخوردگی از عمل فاحش بزرگ‌تران و سقوط مدل‌ها و الگوها نیز در آن مؤثر است.

برداشت آنان از ارزش‌های والایی چون آزادی، عفت، گذشت، عبور کریمانه، تقوا، زهد، جهاد و شهادت، اندیشه‌های خیرخواهانه، نامناسب، سطحی و بی‌نقوذ است و در نتیجه حقوق فردی و اجتماعی و رعایت حرمت یکدیگر، مشارکت و هم‌آهنگی، در وضعی نامطلوب است.

می‌خواهند به اقتدار دست یابند، ولی با هر بهایی، پیروزی به دست آورند ولی به بهای هر شکستی. جنایت را زیرکی تلقی می‌کنند، به خاک انداختن و بیچاره کردن را نشان قدرت می‌دانند، اسیر هوس خویش‌اند، ولی آن را آزادی به حساب می‌آورند. به حيله و فریب دست می‌یازند و آن را بر هوشمندی خود حمل می‌کنند.

این فواید و آثار خود سببی برای تربیت نسل بر مبنای ارزش‌ها و تنفیذ و اثربخشی آن در جان و روان آدمی است.

ضرورت وجودی ارزش‌ها

ارزش‌ها اموری مطلوب و ارزنده‌اند و آدمی را بدان‌ها نیاز است. زیرا گذران زندگی بدون وجود ارزش‌هایی چون انسانیت، آزادی، وفا، همکاری و ... میسر نیست. وجود این ارزش‌ها در همه اعصار برای همه انسان‌های عاقل و اجتماعی ضروری بوده و در عصر ما ضروری‌تر است. این ضرورت بدان خاطر است که:

حصارهای هویتی یکی پس از دیگری فرو می‌افتند و آتش درگیری و اضلال شعله‌ورتر است و عوامل انحراف انگیز برای نسل، به‌ویژه نوجوان و جوان، دندان تیز خود را نشان می‌دهند. دنیای امروز را دهکده‌ای تصویر می‌کنند که اگر آتشی در خانه‌ای افتد بنای دیگران نیز به نابودی تهدید می‌شود. شبکه پیچیده روابط، باورها و ارزش‌ها را نمی‌توان دست کم گرفت که در رشد و انحطاط نسل فوق‌العاده مؤثر و نافذ است.

امروزه بیش از هر عصری ضروری است که ارزش‌های فراموش شده، همان‌ها که در گذشته عامل حرکت و رشد، و مایه سکون و آرامش و امنیت بوده‌اند بازآفرینی شوند و در نظام ملی و حتی فرا ملی بدان‌ها عنایتی باشد. افزایش به کارگیری ارزش‌های تأیید شده زمینه‌ساز حیات بهینه‌اند.

چالش بزرگ امروز عالم بشری چالش کم‌اندیشیدن و در نتیجه پشت‌کردن به ارزش‌هاست و بسیاری از تنش‌ها و

با مردم مأنوس و با حیات اجتماعی به صورتی اندیشیده و هدفدار سازگار گردند. نسل جدید باید دربابد که دنیا خانه اوست، آدمی باید خود را برای زندگی در این سرای بسازد و از مواهب آن بهره گیرد. دنیای او دنیای عمل و عکس العمل است. سرای کار و تلاش، مدرسه و دارالتکمیل است. برای حفظ شرافت خود، و رعایت امنیت و راحت دیگران ضروری است

در التزام به مذهب ضعف دارند، آن را دلیل روشنفکری می شناسند. حیات کورکورانه را نفی می کنند ولی در عمل همان را تعقیب می کنند، به حیل‌های جادویی و به زرق و برق‌های ظاهر دل بسته اند ولی گمان دارند که آن نشانه مدنیت آنان است.

وظیفه تربیت

در این راستاست که دستگاه تربیت را وظیفه ای جدید به بار می نشیند و آن اصلاح نابسامانی‌ها، بازآفرینی و احیای ارزش‌ها، تنفیذ آن در جان‌ها و زمینه سازی برای بروز و



به ارزش‌های فطری، دینی و اخلاقی مجهز گردد. همه گاه به لذات مادی و مناظر زیبا دل نبندد که گاهی گذر از آن‌ها به خاطر پاسداری از ارزش‌ها ضروری است.

دستگاه تربیت وظیفه شناسایی، ارزیابی و القای ارزش‌ها، و نشان دادن بذر آن در دل‌ها و زمینه سازی برای شکوفایی آن‌ها را داراست.

شکوفایی آن‌هاست. مقصد تربیت در بعد فرهنگی، بارآوردن فرد به عنوان مظهری از ارزش‌های مکتبی، با دلالات لازم و آماده سازی برای تحقق تدریجی آن در طی مراحل حیات است.

تعقیب این مقصد برای نسل نخواستہ ضروری است از آن بابت که آنان دیر یا زود باید

که گاهی به بهای خون هزاران شهید حاصل شده‌اند.

دامنه ارزش‌ها

ارزش‌هایی که سرمایه‌گذاری لازم را می‌طلبند و مدّ نظر اولیا و مربیان و نیز دولت‌ها و ملت‌ها باید باشند بسیار و از آن جمله‌اند:

- ارزش‌های فردی چون رشد، قدرتمندی، عفت، تقوا، زهد، صبر و تحمل، کمال‌جویی، مهارت، هدف‌داری، عزت نفس، اعتماد به نفس، روحیه‌داری، مدیریت برخورد، عظمت روحی، والانگری و غنای درون.

- ارزش‌های اخلاقی چون پاکدامنی، عفو، عبور کریمانه، گذشت و نادیده گرفتن، اصالت شرف، توبه و بازگشت از خطا، جوانمردی، استقامت، وفاداری و رعایت حق.

- ارزش‌های اجتماعی چون تساوی در انسانیت، صفا و صمیمیت، انس با مردم، امر به معروف، نهی از منکر، عدالت اجتماعی، صلّه‌رحم، ترمیم دل‌های شکسته، احساس مسئولیت، ظلم‌زدایی، قداست خانواده، انسان‌سازی، خیراندیشی، مصلحت‌خواهی، ایثار، نقدپذیری، دوستداری بنی نوع، توجه به همسایه و ...

ارزش‌های اقتصادی چون کار، تولید سالم، مصرف معقول، قرض، اتقان در کار، انفاق، صدقات، تعاون، احداث عام‌المنفعه، ایجاد کار برای بیکاران، رسیدگی‌ها، سیر کردن گرسنگان و ...

- ارزش‌های فرهنگی مثل دانایی، فلسفه‌داری زندگی، هنر احیاگر، بیان زنده، حفظ شعائر، بصیرت‌داری، احساس سرفرازی به حق، حق دوستی، ارزیابی اندیشه،

و داشتن به درک عمیق از ارزش‌ها و بروز و ظهور آن در کار و زندگی روزانه، و خواستاری رعایت آن به عنوان یک حق و مسئولیت و پیش‌روی براساس ضابطه‌داری در نظام حیات، و وظیفه همه معلمان و مربیان است و وجدان‌های بیدار ما را بدان دعوت می‌کنند.

در اهمیت وظیفه

در اهمیت این وظیفه‌مندی برای همه دست‌اندرکاران تربیت باید گفت که حفظ حقوق فردی و اجتماعی حال و آینده نسل، سنگر‌سازی برای حفظ امنیت‌ها، مقاوم‌سازی در برابر آشفته‌گی‌ها، سدّ راه قربانی شدن در برابر انحرافات که از نسل نوجوان و جوان طعمه‌ها می‌سازند، و بالاخره حل و رفع مشکلات و دشواری‌ها و زمینه‌سازی برای شکوفایی‌های جدید و ابراز خلاقیت درگرو حفظ و احیا و بازآفرینی ارزش‌هاست.

شک نیست که بازاندیشی در مورد رمز و راز سقوط ارزش‌ها و یافتن راهکارهای جدید از طریق قرار دادن آب‌های در حال هدر شدن در جوی اصلی، باید در سر لوحه کار مربیان باشد. دولت‌ها اگر بخواهند جامعه به صورت فزاینده‌ای در خط و راه رشد باشد، ناگزیرند بصیرت‌ها در زمینه بازآفرینی و احیای ارزش‌ها را رشد دهند و هم از سوی دیگر در برابر عوامل سقوط دهنده ارزش‌ها سدی بسازند.

این اقدام به بهای سرمایه‌گذاری و حتی دادن قربانی‌ها می‌آورد، زیرا تغییرات عمیق در ساختار فکر و زندگی مستلزم هزینه کردهای بسیاریند. در غیر این صورت چه بسیارند ثروت‌هایی که بی حساب از دست می‌روند و چه فراوان‌اند نابودی دستاوردهای گران‌قیمت

و از طریق پیامبر و جانشینان بر حق او آن را به مردم ابلاغ می‌نماید و بدین سان ارزش‌ها از سوی مذهب و ناشی از اعتقادات است. به همین سبب قداست آن بیش از قداست دیگر ارزش‌هاست و این همان است که ما آن را در تربیت اسلامی مد نظر داریم.

عوامل مؤثر در ارزش‌ها

ارزش‌ها در همه جوامع وجود داشته، به عوامل بسیار بستگی دارند که کم و زیاد شدن آن عوامل در شدت و ضعف ارزش‌ها اثر دارد. در این عرصه می‌توان از عواملی نام برد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: فلسفه عمومی حاکم بر جامعه، عامل تبلیغات، شرایط فقر و غنای تحمیلی در جامعه، حوادث و اتفاقات، پیشامدهای جدید و غیرمنتظره، شیوه تربیت، مدرنیته یا تجدّد یا بروز مدها، توسعه و گسترش قداست‌ها یا انحرافات در جامعه و ...

هم چنین است شرایط روانی - عاطفی، ارتباطات داخلی یا خارجی، تداعی‌ها، خلاقیت‌ها، ابداعات و اختراعات، کشف‌ها و پیش‌رفت‌ها، زمینه‌سازی‌هایی که در جامعه برای ایجاد شکاف بین فطرت و طبیعت فراهم می‌گردد، سلطه و بروز فرهنگی جدید و زرق و برق‌ها چه به صورت گزینش و انتخاب، و چه به صورت تحمیل که مردم تدریجاً بدان عادت پیدا می‌کنند و نیز عاملی مثل ماشینی شدن زندگی که سببی برای زوال تدریجی سنت و معنویت و نفی بسیاری از ارزش‌ها و قداست‌هاست. یا نزول بلایا که در اثر آن رابطه معنوی انسان با خدا در نزد عده‌ای تیره می‌شود و گاهی احساس ستمکاری نسبت به خدا پیدا می‌کنند (پناه بر خدا).

خسردورزی در امور، رسم‌های ارزنده چون مهمان نوازی و ...

- ارزش‌های سیاسی چون آزادی، استقلال، دفاع، قانون‌مداری، صدق اجرا، جهاد، شهادت، نظم‌داری، تحزب الهی، قیام علیه ستم، مبارزه برای هدف اندیشیده، تلاش برای پاداری حکومت حق، مقاومت و ...

- ارزش‌های معنوی چون عابد بودن، عبادت، کار کردن برای خدا، ایمان داری، فضیلت خواهی، رضا به قضای الهی، پاک‌سازی و تطهیر درون، آسادگی برای ملاقات رب، دوستی خدا، اخلاص در راه خدا، معامله با خدا، بذل سرو جان در راه او و ...

منبع ارزش‌ها

- ارزش‌ها از منابع مختلف ممکن است ریشه پیدا کنند:

- برخی از جوامع منبع ارزش‌شان عقل و خرد و استنباط شخصی است. به عبارت دیگر ارزش‌ها آفریده ذهن آنان است. آن چه را که خود یافته‌اند دارای ارزش و بها می‌دانند.

- در برخی از جوامع ارزش‌ها آفریده اجتماع و احیاناً قراردادهای اجتماعی یا فرهنگ آن‌هاست و این نکته‌ای است که ما آن را در بسیاری از جوامع غربی می‌بینیم.

- در نزد تعدادی از جوامع ارزش‌ها نشأت گرفته از مکتب یا فلسفه‌ای بشر ساخته‌اند و خط مکتب مورد قبول آن‌ها را برایشان تصویر می‌کند.

- در جوامعی که پای بند به اسلام‌اند ارزش‌ها از وحی و سرچشمه معارف الهی پدید می‌آیند و این خداوند است که امری را برای بشر مقدس دانسته، آن را ارزش معرفی می‌کند

نوجوانان خشمگین و عصبانی و در مواردی از زندگی مأیوس می‌شوند. آنان در ارتباط با وضع و شرایط موجود دچار تضاد و تعارض و گاهی هم درگیری می‌شوند. تن دادن به گناه به علت ضعف مدیریت بر خود و بروز اندیشه خودکشی در برخی از آنان به خاطر همین وضعیت است.

نوجوانان گاهی فکر می‌کنند که بیهوده آفریده شده‌اند، بالاتر از حیوان و کم‌تر از انسان حقیقی‌اند، از بهای واقعی خود غافل‌اند و هم قادر به اقناع خود نیستند، نمی‌توانند مشکل خود را حل کنند، عقاید و مراسم برایشان ناکافی است، قدرت طلب‌اند و در آن موفق نیستند، تفوق خواهند ولی قادر به اکتساب آن نمی‌باشند، غرور دارند ولی برای آن خریداران بسیار نمی‌یابند و... این مجموعه سبب سقوط بسیاری از ارزش‌ها و خواستاری ارزش‌های جدید می‌شود. چه بسیار از ارزش‌های گرانقدر که در نزدشان پوچ و هیچ می‌نماید و چه بسیار



نقش عامل سن

در سنین نوجوانی تحولاتی در جسم و ذهن و عاطفه و روان فرد پدید می‌آید که حتی مریدان را در اتخاذ موضع لازم راجع به او دچار حیرت و تردید می‌کند. نوجوانی سن تندرستی، پرهیز از محافظه‌کاری و دوری از اعتدال است. اغلب

همراه باشد مثل تعزیه‌ها یا اجرای تأثر و نمایش فیلم‌هایی که در این عرصه کاربرد دارند.

۴- القآت و تذکرات همراه با تحریض‌ها و تحسین‌ها از ارزش‌ها و خواستاری پای بندی به آن‌ها توسط افراد محبوب و مورد علاقهٔ کودک و نوجوان و تأیید عملکردهای ارزشی او.

۵- توجیه و تعلیل پاره‌ای از ارزش‌ها که امکان آن وجود دارد، البته به تناسب سن و درک و فهم نسل که به کارگیری منطق مخصوصاً در ستین نوجوانی دارای نقشی اثربخش‌تر است.

۶- راه عمل را به نسل خود نشان دهیم و به او بیاموزیم که چگونه می‌تواند عقیف، با تقوا و واجد ارزش‌ها باشد.

تذکر مهم

در ایجاد و پرورش ارزش‌ها در درون چه نیکوست که از زبان فطرت با نسل سخن گوئیم، از قدرت مذهب و اخلاق استفاده کنیم، به ارزش‌ها بعد کاربردی دهیم تا لذت آن را در زندگی احساس کند، و اقدامات مربوط به آن را از ستین پایین آغاز نماییم و هم تعلیمات خود را به صورت طبیعی و توأم با شفقت و دل‌سوزی عرضه و ارائه کنیم و بکوشیم آنان بیندیشند، ارزیابی کنند، و آن‌گاه آن را بپذیرند.

در همه حال باید هشیار بود که القای ارزش‌ها، با اقدامات سرکوب‌گرانه، اعمال خشونت و استبداد اثری منفی خواهد داشت. ارزش‌ها خود باید موجب احساس ایمنی و پاسخ‌گوی نیازها، و دستیابی به اقناع درون و رضای وجدان باشند و اگر خوب و ارزنده‌اند چرا والدین در آن‌ها پیشگام نباشند؟ نفی عملی ضد ارزش‌ها و پاک‌سازی محیط از آن، خود زمینه‌ساز اثربخشی بیش‌تر ارزش‌هاست.

پای‌بندی‌های جدید برای ارزش‌های جدید که برایشان پدید می‌آید. فشار غرائزگاهی خود عاملی مهم برای رهایی از ارزش‌های عفاف و تقوا در آن عرصه و بروز تمایلات ضد آن است. این مجموعه سبب می‌شود که زندگی ارزشی نوجوان توأم و همراه با بحران، آمیخته با وهم و خیال، و چون سیلابی بی‌ثبات باشد و نزدیکان او زندگی‌اش را توأم با خطر بدانند.

شیوه‌های ایجاد و پرورش ارزش‌ها

در ایجاد و پرورش ارزش‌ها همان راهکارهایی مدنظر است که دربارهٔ دیگر صفات و حالات باید مورد رعایت و عمل قرار گیرد. در این راه از شیوه‌هایی می‌توان بهره گرفت که اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- جنبهٔ اسوای والدین و مربیان که عمل آنان در طول مدت دوران کودکی و نوجوانی نسل بهترین راهنما و مؤید و نافذ است. منش و رفتار آنان که پیشوا و مربی نسل‌اند جهت دهنده است. پدران، مادران، مربیان و معلمان خود باید الگوهای وفاداری، همکاری، تقوا، عفت، آزادی و دیگر ارزش‌های انسانی و اسلامی باشند.

۲- ذکر داستان‌ها و قصه‌ها از زندگی شخصیت‌های بزرگ و انسان‌های والا و رفتار و کردار آنان، در طول مدت دوران کودکی و نوجوانی و حتی ستین بالاتر، در واقع نوعی بذرپاشی ارزش‌ها در دل آنان است که با آبیاری از تحسین‌ها و تحریک‌ها ثمر نیکو خواهد داد.

۳- ارائهٔ نمایشی از رفتارها و عملکردهای توأم با ارزش‌های راستین زمینه را برای تنفیذ و جا انداختن آن‌ها در اذهان فراهم خواهد کرد. به ویژه نمایش‌هایی که با جنبه‌های عاطفی